

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

بهرام رحمانی
۱۵ جنوری ۲۰۲۵

رونمایی از چاپ ششم

کتاب «برفرار خلیج فارس»

کتاب شرح خاطرات «محسن نجات حسینی» عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ش است. این کتاب اولین بار در سال ۱۳۷۹ چاپ و منتشر شد. چاپ ششم این کتاب، با ویرایش تازه از نویسنده، توسط چاپ و نشر «کتاب ارزان» در استکهلم منتشر شده است. به همین مناسبت، روز شنبه ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵، این کتاب در محل کتاب ارزان در استکهلم با حضور نویسنده رونمایی خواهد شد.



مؤلف در سال ۱۳۲۳ در مشهد به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد، سپس به عضویت تشکیلات سیاسی و انقلابی مخفی درآمد که بعدها نام سازمان مجاهدین خلق ایران به خود گرفت. وی سال ۱۳۴۹، با درجه فوق لیسانس در رشته مهندسی شیمی فارغ‌التحصیل شد و در تابستان همان سال با ماموریت از سوی سازمان مجاهدین خلق، برای گذراندن دوره عملیات چریکی به‌طور غیرقانونی از کشور خارج گردید. وی در مسیر رسیدن به پایگاه‌های فلسطینی حوادث مختلفی را پشت سر گذارد که به زندانی شدن

وی و چندتن دیگر از اعضای سازمان مجاهدین انجامید. نامبرده پس از گذراندن دوره آموزشی عملیات چریکی در پایگاه‌های فلسطینی در راه بازگشت به ایران در بیروت دستگیر و زندانی شد. اما پس از آزادی، در بخش خارج از کشور سازمان مجاهدین به فعالیت پرداخت و فعالیت خود را تا هنگام دگرگونی‌های ایدئولوژیک در سازمان مجاهدین ادامه داد. وی در سال ۱۳۵۵ از سازمان مجاهدین کناره گرفت و در سوئد اقامت گزید. نجات حسینی دارای تخصص در فیزیک پرتوها از سوئد است.

کتاب بر فراز خلیج فارس در قالب خاطرات است. این کتاب، خاطرات محسن نجات حسینی را به‌عنوان یک عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران بین سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵ هجری شمسی، ارائه کرده است. این نویسنده، روایت حاضر را از کودکی و تحصیل و محیط اجتماعی خود آغاز کرده و سپس در باب ورود به دانشگاه و عضویت در سازمان مجاهدین خلق، سفر به دبی برای تماس با سازمان فلسطینی «فتح»، دستگیری کادر رهبری، فعالیت‌های برون‌مرزی سازمان در آغاز دهه ۱۳۵۰ با زنان مجاهد و نیز چالش ایدئولوژیک ۱۳۵۴ سخن گفته است.

بخشی از کتاب بر فراز خلیج فارس:

نجات حسینی در مقدمه «برفراز خلیج فارس» می‌نویسد: «وقایعی که با نام برفراز خلیج بازگو می‌کنم گوشه‌هایی‌ست از آنچه در آن زیسته‌ام و بخش مهمی از زندگیم را رقم زده است. این کتاب روایتی از رویدادهای زندگی و تصویری از فراز و نشیب‌های آن و نیز یک نظرپردازی شخصی است از موجی پرشور که در آن سال‌ها جریان داشت.»

مسافرت برون مرزی

روزی اواسط خرداد ۱۳۴۹ که امتحانات آخرین ترم دانشگاه در جریان بود، محمد بازرگانی به‌عنوان رابط تشکیلاتی، به من خبر داد که یک مسافرت کاملاً مخفی به‌مدت حدود شش ماه در پیش دارم. برای چنین مسافرتی لازم بود زمینه‌سازی کنم و محمل مناسبی برای قانع کردن خانواده و آشنایان خود ارائه دهم... نادانسته این آخرین دیدار من و محمد بازرگانی بود. وی یک سال بعد، در حالی که به مبارزه بر علیه بی‌عدالتی‌ها می‌اندیشید، رد برابر جوخه اعدام جلاخان شاه، ایستاده جان باخت. بقیه کارهای مسافرت با نظارت حسین روحانی انجام می‌شد...

«سازمان مجاهدین و نقش زنان مبارز»

شرکت فعال زنان ایرانی در مبارزات سیاسی از هنگامی آغاز شد که گروه‌های چریکی بر علیه رژیم شاه به فعالیت پرداختند. تا قبل از پیدایش گروه‌های چریکی از شرکت مستقیم زنان در جنبش‌های سیاسی شواهد تاریخی زیادی موجود نیست. در گذشته شکل جامعه سنتی ایران ایجاب می‌کرده است که زنان ایرانی سهم مبارزاتی خود را از راه تربیت فرزندان مبارز و نیز پشتیبانی از شوهران فداکار خود، به انجام برسانند. این تقسیم‌بندی وظایف که ویژه جوامع سنتی است، نتیجه عدم رشد جامعه و عدم آگاهی بود. در دوران جدید با راهیافتن زنان به محیط‌های آموزشی و به‌ویژه دانشگاه‌ها، گام‌های اولیه خروج از قیدهای سنتی برداشته شد.

در دانشگاه‌ها که تجلی‌گاه اندیشه و آگاهی بود، بسیاری از دختران نیز همراه با پسران دانشگاهی، در تظاهرات و اعتصابات صنفی و سیاسی شرکت می‌کردند. با سرکوب فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در سطح جامعه، اعتراضات به شکل مخفی درآمد و زمینه رشد تشکل‌های سیاسی با شیوه چریکی، فراهم شد. چندین سازمان و گروه نوپای سیاسی

به‌ویژه در میان افشار روشنفکر جامعه به‌وجود آمد. این سازمان‌ها که بقای آن‌ها در گرو مخفی‌بودن آن‌ها بود، مشی چریکی را برگزیدند تا با نیروئی کم، به عملیاتی غافلگیرانه علیه نیروهای استبداد دست بزنند و از طریق ضربه واردآوردن به ارگان‌های آن، رژیم را افشا کنند و مردم را به مبارزه علیه آن فرا خوانند.

این سازمان‌ها، کادرها و اعضای خود را نیز، بیش‌تر از میان قشر دانشجو انتخاب می‌کردند. دانشجو که به ابزار اندیشه و تفکر مجهز است، توانائی درک و تحلیل مسائل جامعه را دارد. ویژگی این بخش از قشر روشنفکر این است که هنوز بار مسئولیت خانوادگی و تعهد شغلی بر دوش ندارد و به مسائل روزمره زندگی، گرفتار نشده است. چنین قشری وقتی به مسئولیت خود در برابر جامعه واقف می‌شود، راحت‌تر از سایر افشار به عمل روی می‌آورد و مشکلات حرکت مبارزاتی را می‌پذیرد. اندیشه نوگرایی این قشر که با رشد دانش و صنعت در جامعه بشری هماهنگ است، مرزهای سنتی را زیر پا می‌گذارد و واقعیت‌ها را می‌پذیرد. به همین دلیل برابری زن و مرد از نظر حقوقی و نیز یکسانی آن‌ها در برابر وظایف اجتماعی برای همه سازمان‌های مبارز عصر جدید، یک اصل گریزناپذیر بوده است. اگرچه اعتقاد به برابری زن و مرد، به‌معنای عملکرد مطلق و بی‌خطای این سازمان‌ها نبود، اما راه‌گشای موثری در راستای دستیابی زنان به حقوق اجتماعی خود و رهائی از بندهای جامعه مردسالار ایران بود. زنانی که به مبارزه پیوسته بودند، هم‌زمان در دو جبهه شرکت داشتند، یکی بر علیه دیکتاتوری شاه و دیگری در راه آزادی از قید و بند جامعه سنتی و مردسالار ایران.

مشکلات امنیتی گروه‌های مخفی چریکی ایجاب می‌کرد که اعضای جدید بیش از همه از میان افراد مورد اطمینان و از جمله افراد خانواده انتخاب شوند. هرگاه عضوی به همسر، برادر و خواهر خود از نظر امنیتی اعتماد داشت، نزدیک‌ترین راه عضوگیری را انتخاب می‌کرد و با کار سیاسی روی این فرد، زمینه عضو شدن او را فراهم می‌ساخت. بدین‌ترتیب بسیاری از همسران و خواهران اعضای اولیه تشکیلات نیز، به سازمان‌های چریکی پیوستند. سازمان‌های چریکی از یک‌سو با دیدگاه‌های نو، زمینه پیوستن زنان را به این سازمان‌ها فراهم می‌کردند و از سوی دیگر، شیوه مخفی‌کاری و زندگی در خانه‌های تیمی که در این سازمان‌ها رایج بود، به دختران مبارز نیز فرصت می‌داد تا خود را از بندهای محدودکننده خانوادگی رها کنند و در خانه‌های تیمی مستقر شوند.»

خواندن کتاب بر فراز خلیج فارس را به دوستان تاریخ و خاطرات سیاسی پیشنهاد می‌کنم. چرا که تاریخ مهم است. اهمیت تاریخ صرفاً به این دلیل نیست که می‌توانیم از گذشته بیاموزیم، بلکه به دلیل آن است که حال و آینده به‌واسطه تداوم نهاد‌های یک جامعه با گذشته پیوند دارند. گذشته انتخاب‌های امروز و فردا را شکل می‌دهد و گذشته را فقط در قالب حکایت تحول نهادی می‌توان فهمید. از سوی دیگر، تاریخ ثبت چگونگی موفقیت یا شکست انسان‌ها در تلاش برای رفع نیازها و یا رسیدن به آرزوهاست. مطالعه تاریخ یک بلوغ و پختگی به انسان می‌دهد. تاریخ بینش و بصیرت به انسان می‌دهد. کسی که تاریخ می‌خواند و می‌داند با الفاظ و عبارات یا با وعده‌های فریبنده اغوا نمی‌شود. آن‌گونه که گفته‌اند: «گذشته، چراغ راه آینده است.»

این یک دو سه روز نوبت عمر گذشت چون آب به جویبار و چون باد به دشت
هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت روزی که نیامده‌ست و روزی که گذشت

(خیام)

سه‌شنبه بیست و پنجم دی-جدی- ۱۴۰۳- چهاردهم جنوری ۲۰۲۵